

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۱۴ جولای ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱۷)

انواع کنایه از لحاظ وضوح و خفا: کنایه از نظر وضوح و خفا و قلت و کثرت وسایط و سرعت و کندی، انتقال بین بیان و هدف کنایه به اشکال زیر می باشد:

۱. **تلویح:** آنست که وسایط بین لازم و ملزوم متعدد باشد و این امر معمولاً فهم اصلی را مشکل می کند. مثلاً

زیادی خاکستر، زیادی پخت و پز، زیادی غذا، کثرت مهمان تلویح بخشندگی است. ترسو بودن سگ، مانوس بودن به مردم، رفت و آمد زیاد مردم، مهمان نوازی را تلویح می کنند. تلویح بیشتر مربوط به فنون ادبی و کنایاتی است که از قدیم به جا مانده است و در زبان محاوره به کار نمی رود. چون فهمیدن آن دشوار است که باید معنی آن را از کسی شنید یا به فرهنگ ها مراجعه کرد.

۲. **ایما:** وسایط اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار است. ازینرو ایما عکس تلویح می باشد و در زبان امروز رایج است. معمولترین انواع کنایه می باشد. رخت بر بستن = سفر کردن، سپر افگندن = تسلیم شدن، دست کفچه کردن = گدائی کردن، دست گزیدن = افسوس کردن. به طور کلی ایما کنایه ایست که به محض شنیدن عقل سلیم آن را در می یابد. رخت بر بستن و یا چون مربوط به عادات رفتاری انسان است فوراً در نظر مجسم می شود. لب گزیدن کنایه از حسرت و دریغ خوردن است، سرخ شدن کنایه از خجل شدن است.

۳. **رمز:** وسایط در آن پوشیده است به طوری که می توان گفت اصلاً نمی توانیم وسایط را دریابیم و در نتیجه انتقال از معنی ظاهر به باطن دشوار و گاهی غیر ممکن است و لذا رمز را باید به عنوان یک نشانه یک لغت باید تلقی کنیم و معنی آن را بیاموزیم. مثلاً عریض القفا یا کسی که پشت سرش پهن باشد در کتب قدیم به معنی کودن ذکر کرده اند. اما دقیقاً معلوم نیست که چنین نشانه را چرا کودنی گفته اند. مثلاً شاید هم پنداشت که کسی به سر او می زند و آنقدر به سر او زده شده که پشت سرش پهن شده، ناخن خشک به معنی خسیس، دست کج به معنی دزد، دندان گرد به معنی طماع، آبدندان به معنی احمق و...

رمز شبیه سمبول است ولی آن نیست ولی از آنجائی که سمبول غربی به رمز ترجمه شده، گاهی بین این دو معنی خلط می شود. در سمبول هر چند مشبه به متعدد است اما به علاقه مشابَهت متوجه معنی می شویم. اما رمز بیشتر شبیه به نشانه است. کبوتر رمز صلح و ترازو رمز عدالت است.

تعریض: جمله ایست کنائی که معنی آن هشدار به کسی است. در بیان نکوهش، تنبیه و یا سخره کردن باشد و ازین رو مخاطب را آزرده می کند. در عرف می گوید فلانی به فلانی گوشه زد. شخی به خاقانی گفته که عنصری شاعر توانائی است، خاقانی آن را تعریض به خود پنداشت و به قول مردم آن را به خود گرفت و در طی قطعه ای فضیلت خود را به عنصری باز نمود:

به تعریض گفتمی که خاقانیا	چه خوش داشت نظم روان عنصری
بلی شاعری بود صاحب قبول	ز ممدوح صاحبقران عنصری
به معشوق نیکو و ممدوح نیک	غزل گو شد و مدح خوان عنصری
جز این طرز مدح و طراز غزل	نکردی ز طبع امتحان عنصری
شناسد افاضل که چون من نبود	به مدح و غزل درخشان عنصری
که این سحر کاری که من کنم	نکردی به سحر بیان عنصری
مرا شیوه خاص و تازه است و داشت	همان شیوه باستان عنصری

همچنین کسی به سعدی می گوید که حماسه گوئی به فردوسی ختم شد. سعدی این را تعریض به خود دانسته و در باب پنجم بوستان به حماسه می پردازد.

در زبان دری تعریض چیز است که بسیار مروج است و مردم بدان بسیار حساسند.

ادامه دارد...